

# معمای مدرنیته

بابک احمدی

پانداشت

۱. معمای مدرنیته

۲. مدرنیته و پندار غربیت ۲۵

۳. انسان‌گرایی و انسان‌گرایی

۴. مدرنیته و فلسفه‌ی انسان‌گرایی ۷۳

۵. اخلاق و زندگی ۱۸۱

۶. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۷. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۸. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۹. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۰. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۱. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۲. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۳. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۴. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۵. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۶. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۷. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۸. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۱۹. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲

۲۰. فلسفه‌ی مدرنیته و فلسفه‌ی اسلامی ۲۰۲



نشر مرکز

## یادداشت

### فهرست

#### یادداشت ۱

۱. معمای مدرنیته ۳

۲. مدرنیته و پندار هویت ۳۵

۳. انسان‌گرایی ۸۲

۴. مدرنیته و فلسفه‌ی اخلاق ۱۳۳

۵. اخلاق و زندگی ۱۸۱

۶. متافیزیکِ مدرنیته ۲۲۲

۷. علم‌باوری و اروپامحوری ۲۶۳

۸. ناسازدهای دمکراسی ۳۰۴

۹. فیلسوف و سیاست‌مدار ۳۳۰

۱۰. نمایه‌ی نام‌ها ۳۶۱

۱. M. Heidegger, *Being and Time*, tra. J. Macquarrie and E. Robinson, London, 1962, p. 487.

۲. M. Foucault, *L'usage des plaques*, Paris, 1984, pp. 14-15.

## یادداشت

در این کتاب نُه جستار درباره‌ی مدرنیته آمده‌اند. هر یک از آن‌ها را می‌توان به طور مستقل خواند، اما با هم ارتباط دارند. کوشیدم تا بحث‌های گذشته‌ام در مورد مدرنیته را پیگیری و روزآمد کنم. پرسش‌هایی تازه پدید آمده‌اند، کار ادامه یافته، و امیدوارم که ادامه بیابد. همچنان در راهم. هیدگر گفته است: «این نکته که آیا راهی که ما طی می‌کنیم درست است، یا حتی یگانه راه است، فقط وقتی معلوم می‌شود که آن را تا به آخر پیموده باشیم».<sup>1</sup>

جستارهای کتاب با این دوران سرچنگ دارند، و می‌خواهند به گفته‌ی نیچه، نابهنگام و غیرمدرن باشند، و بگویند چون علم باوری، خردباوری، و آزادی مدرن مشکل سازند، باید افق زندگی دیگری آفرید. از این رو، پرسشی را در برابر خود قرار می‌دهند که فوکو در پیشگفتار کتاب کاربرد لذت مطرح کرده: «اما، مگر امروز فلسفه (مقصودم فعالیت فلسفی است) چیزی جز کار نقادانه‌ی اندیشه‌گرد خود آن است؟ فلسفه از چه چیز شکل گرفته؟ جز از تلاش در دانستن این نکته که چگونه و تا چه حدی، امکان آن هست که به گونه‌ای دیگر بیندیشیم، به جای این که آنچه را که تا کنون اندیشیده شده، مشروع جلوه دهیم؟».<sup>2</sup>

زندگی را بر مردمان سخت‌تر خواهد کرد، اما می‌ارزد، زیرا این دشواری، مبارزه با چیزی است که به جای زندگی، زندگی معرفی می‌شود. در روزگار مدرن یعنی دوران همخوانی با قالب‌های تکنولوژیک، چیزی مهم‌تر از این نیست که آدمی دریابد که خویشتن او چندپاره شده، خرد ابزاری‌اش راه را بر پیشرفت حقیقی او بسته است، و الگوی یکه‌ی خردباوری‌اش هیچ نیست مگر ابزار به بند کشیدن او. این مبارزه یعنی آگاهی از شرایط تحقق آزادی، و «برانگیختن شور فردیت در هر کس».

1 M. Heidegger, *Being and Time*, tra. J. Macquarrie and E. Robinson, London, 1988, p. 487.

2 M. Foucault, *l'usage des plaisirs*, Paris, 1984, pp. 14-15.

نابهنگامی در هرمنوتیک نیچه نمایانگر فاصله‌ای است که معنایی دقیق در اندیشیدن به ناهمخوانی، تفاوت و سرپیچی، یعنی در تکوین اندیشه‌ای نابهنگام و غیرمدرن، می‌یابد. افق زندگی، چون به زندگی تعلق دارد به جنگ نیز تعلق دارد. نیچه‌ی جنگجو این نکته را در *مشاهدات نامدرن* چنین بیان کرده است: «و اگر در پی خواندن زندگینامه‌ها برمی‌آیی، از آن زندگینامه‌ها پرهیز کن که نام‌شان «فلانی و دوران او» ست، به جای آن‌ها زندگینامه‌ای را برگزین که عنوانش چنین باشد: فلانی، جنگجویی علیه دورانش». <sup>۳</sup> باید از بند دوران خود آزاد شویم، و علیه آن بجنگیم. همین که ستایشگر دوران خود شویم، آزادی خود را از دست می‌دهیم.

فروردین ۷۷

دو مقاله از جستارهای این کتاب، بر اساس متن سخنرانی‌های زیر نوشته شده‌اند:

«مدرنیته و هویت فرد» در: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۲ آذر ۷۶.

«متافیزیک مدرنیته» در: دانشکده‌ی فنی، دانشگاه تهران، ۳۰ آذر ۷۶.

1. M. Heidegger, *Being and Time*, trans. J. Macquarrie and E. Robinson, London, 1962, p. 487.

3. F. Nietzsche, *Unmodern Observations*, ed. W. Arrowsmith, Yale University Press, 1990. p. 119.